


A Sociological Analysis of the Relationship between Social Capital and Subjective Well-Being (Case Study: University of Lorestan Students)

Morad Baradaran  Assistant Professor, of Sociology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Noraldin Alahdadi *  Assistant Professor, of Sociology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Alimohammad Javadi  Assistant Professor, of Sociology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

1. Introduction

Social and cultural transformations in recent decades, such as the expansion of technology, alienation, and the erosion of social capital, have posed significant threats to human social and mental health. These tensions highlight the importance of individuals' ability to maintain quality relationships with their close networks and social groups. Failure in this regard reduces their "social viability," leading to unhealthy behavioral patterns, decreased motivated participation, the erosion of trust and responsibility, and ultimately, a decline in both objective and subjective social well-being. According to McElroy (2007), such conditions may "extinguish human capital" (Taj Mazinani & Ghasemi-Nejad, 2016: 142, as cited in Shirvani Nagani et al., 2021: 145-184).

Social well-being has been one of the significant global concerns since the mid-20th century, reflecting attention to human dignity and societal solidarity. It encompasses both objective and subjective dimensions aimed at ensuring individuals and groups achieve an acceptable standard of living, health, and more. Recently, subjective well-being—factors such as job satisfaction, a sense of calm, and reduced stress—has garnered special attention due to its direct impact on the quality of life (Alexandrova, 2005). The future of societies will increasingly depend on understanding the factors influencing subjective well-being.

In this context, the present study aims to analyze the sociological relationship between social capital and subjective well-being among students at the University of

* Corresponding Author: nalahdadi@pnu.ac.ir

How to Cite: Baradaran, M; Alahdadi, N; Javadi, A.M. (2023). Sociological analysis of the relationship between social capital and subject welfare (Case study: Lorestan University students), *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 15(59), 239-269.

Lorestan. Investigating subjective well-being in Lorestan Province—characterized by unique cultural and tribal diversity, relatively low economic development, and lower levels of social well-being compared to national averages—is critical for planning and development processes, explaining influential factors, and ultimately working toward enhancing subjective well-being to address existing inequalities.

2. Research Problem

The primary research question is how to strengthen the relationship between social capital and subjective well-being among university students to foster synergies that drive societal development. Does a lack of subjective well-being among students lead to increased anxiety, stress, and academic decline? Does low social capital reduce students' subjective well-being? Given that well-being is a product of social capital, trust, and other factors, the main objective of this study is to examine the social capital and subjective well-being of students at the University of Lorestan and assess how components of social capital affect their subjective well-being.

3. Methodology

This study employs a correlational research design for data collection and is categorized as applied research in terms of its purpose. The statistical population comprises all students of the University of Lorestan in 2019, totaling approximately 9,000 individuals. Using Cochran's formula, a sample size of 384 was determined, and participants were selected using proportionate stratified sampling.

4. Findings

The model reveals a direct effect of social networks on subjective well-being (0.21) and of social trust on subjective well-being (0.36). However, social participation has no direct effect on subjective well-being but influences it indirectly through social networks (0.23) and social trust (0.32). Furthermore, the effect of social networks on social trust is 0.14, and the model's explanatory power is 0.27.

5. Conclusion

The study aimed to design and validate a structural model depicting causal relationships between variables. The proposed model demonstrated an acceptable fit, with indices confirming its suitability. Notably, the direct pathway from social participation to subjective well-being was not statistically significant.

Overall, among the three components of social capital—social trust, social networks, and social participation—all contributed to explaining students' subjective well-being. However, social trust and social networks were the most significant

predictors. A comparison with Putnam's theory confirms that social trust and networks are the primary determinants of subjective well-being (27%), while social participation has a relatively smaller impact.

The findings underscore the significant relationship between social capital and students' subjective well-being. High social trust, extensive social networks, and active participation facilitate cooperation among community members, fostering adaptability and risk-taking. Consequently, individuals with these traits are likely to achieve higher levels of well-being.

Keywords: Subjective Well-Being, Social Capital, Social Trust, Social Participation, Social Networks.





تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه لرستان)

- مراد برادران ^{id} | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- نورالدین اله‌دادی * ^{id} | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- علی محمد جوادی ^{id} | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در بین دانشجویان دانشگاه لرستان می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه لرستان در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. در این پژوهش برای تعیین اندازه نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه آن ۳۸۴ نفر بدست آمد. همچنین، برای انتخاب نمونه مذکور از بین کلیه دانشجویان از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شد. این پژوهش، با در نظر گرفتن اهداف موجود در آن از نوع تحقیقات همبستگی به شمار می‌آید. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه محقق ساخته سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی استفاده شد که شاخص‌های روان‌سنجی (روایی و پایایی) آن مورد تأیید قرار گرفت.

این مطالعه، مسیرهای طراحی شده در مدل پیشنهادی تحقیق، فرضیه‌های آن را نشان می‌دهد. بنابراین، برای بررسی این فرضیه‌ها، از روش‌های آماری، آمار توصیفی (شامل میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (شامل روش تحلیل «مسیر») با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS25 و LISREL10.3 استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل طراحی شده تحقیق با داده‌های جمع‌آوری شده T برازش کامل دارد. همچنین، نتایج برازش مدل حکایت از آن دارد که مسیرهای مستقیم (اثرهای مستقیم) شبکه اجتماعی به رفاه ذهنی، اعتماد اجتماعی به رفاه ذهنی و مسیرهای دوطرفه (اثرهای متقابل) بین شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی، شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی معنادار می‌باشد. علاوه بر این، در مدل برازش یافته تنها مسیر مستقیم مشارکت اجتماعی به رفاه ذهنی معنادار بدست نیامد و لذا فرضیه متناسب با این مسیر نیز مورد تأیید قرار نگرفت.

واژه‌های کلیدی: رفاه ذهنی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه اجتماعی.

مقدمه و بیان مسئله

تغییرات اجتماعی و فرهنگی ایجادشده در دهه‌های اخیر، نظیر گسترش فناوری، از خودیگانگی و فرسایش سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی و روانی انسان‌ها را با مخاطرات زیادی روبه‌رو کرده است. این تنش‌ها باعث شده است که «اگر افراد در کیفیت روابطشان با نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که عضو آنها هستند» کنشگری مناسب نداشته باشند، «زیست‌پذیری اجتماعی» آن‌ها کم شده و این قضیه منجر به ایجاد الگوهای رفتاری ناسالم، کاهش مشارکت‌های برانگیخته، زوال اعتماد و مسئولیت‌پذیری و در نهایت، کم‌رنگ شدن رفاه اجتماعی (عینی و ذهنی) آنان شود و به تعبیر مکالروی (۲۰۰۷) می‌تواند «سرمایه‌های انسانی» را در آنها خاموش سازد (تاج‌مزینانی و قاسمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴۲، به نقل از شیروانی ناغانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۵).

رفاه اجتماعی یکی از مباحث مهم دنیا در نیمه دوم قرن بیستم بوده است که نشانگر توجه به شأن و انسانیت افراد و همبستگی اجتماعی آن جامعه است که برای دستیابی فرد و گروه به سطح قابل قبولی از زندگی، تندرستی و... در دو سطح عینی و ذهنی به کار برده می‌شود که در دهه اخیر توجه به رفاه ذهنی از قبیل رضایت شغلی، احساس آرامش، کاهش استرس و... به علت تأثیر مستقیم آن بر کیفیت زندگی^۱ انسان، اهمیت ویژه‌ای یافته است (Alexandrova, 2005) از این رو آینده نیز متکی بر درک بهتر عواملی خواهد بود که بر رفاه ذهنی انسان تأثیرگذار است. بر همین اساس تأمین رفاه ذهنی و ارتقاء آن در سطح جامعه از مهم‌ترین وظایفی است که سازمان بهداشت جهانی آن را به عهده همه دولت‌ها گذاشته است.

این سازمان، شادکامی را به عنوان عامل مهمی در مفهوم سلامت و برخی کشورها نیز آن را به عنوان شاخصی برای سنجش کیفیت زندگی عنوان می‌کنند، این در حالی است که بر اساس گزارش جهانی شادی در سال ۲۰۲۲ ایران از نظر شادکامی با نمره ۴٫۸ (چهار

و هشت‌دهم) از ۱۰ در بین ۱۴۶ کشور در جایگاه ۱۱۰ قرار گرفته است. این جایگاه در سال ۲۰۲۱ در بین ۱۴۹ کشور، ۱۱۸ (۴,۷ از ۱۰) و در سال ۲۰۲۰ در بین ۱۵۳ کشور، ۱۱۸ (۴,۶ از ۱۰) بوده است (سام گیس، ۱۴۰۱). همچنین بر اساس اطلاعات موجود در این گزارش ایران از نظر شادکامی در بین کشورهای منطقه در رتبه نهم بعد از امارات (۶,۷۹)، عربستان (۶,۴۰)، بحرین (۶,۲۲)، کویت (۶,۱)، پاکستان (۵,۶۹)، ترکیه (۵,۱۳)، عراق (۴,۷۸) و لبنان (۴,۷۷) قرار دارد که این رتبه نشان‌دهنده جایگاه نگران‌کننده کشور از نظر شادکامی است. همچنین بر اساس نتیجه مطالعات عامری و همکاران (۱۳۹۵: ۱) وضعیت رفاه اجتماعی در استان لرستان پایین‌تر از حد متوسط کشوری است.

مطالعات و رویکردهای جدید برای ارتقا رفاه ذهنی، در کنار عوامل فردی به کیفیت‌های اجتماعی (مانند نابرابری، عدالت، همبستگی اجتماعی و...) تأکید می‌ورزند که محور اصلی این کیفیت‌ها را سرمایه اجتماعی^۱ تشکیل می‌دهد. به عبارت واضح‌تر، بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی به دنبال خود افزایش سطح سلامت فردی و عمومی، افزایش امید به زندگی، احساس سلامتی، رفاه و رضایت‌مندی بیشتر را به همراه داشته است. در حالی که سرمایه اجتماعی اندک نیز با افزایش بیماری‌های قلبی، اختلالات روانی، احساس عدم آرامش، عدم رضایت از محیط کار و... همراه بوده است.

پاتنام^۲ تأکید می‌کند که در تمام قلمروهای سرمایه اجتماعی که در جوامع مختلف جستجو کرده، در هیچ‌کجا اهمیتی بالاتر از نقش سرمایه اجتماعی در تندرستی و بهزیستی نیافته است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۲). پاتنام (۱۹۹۳) همچنین معتقد است همبستگی خیلی روشن و مثبتی بین متغیرهای سلامت و سرمایه اجتماعی وجود دارد. سرمایه اجتماعی می‌تواند رفاه ذهنی افراد را تحت تأثیر خود قرار دهد، زیرا بشر امروزین بدون اعتماد اجتماعی تا حد زیادی قادر به حیات اجتماعی نیست.

1. Social capital
2. Putnam

بنابراین در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی، اعتماد به منزله مکانیسمی اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روان‌شناختی نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند احساس آرامش، امنیت و آزادی و استقلال و... را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند. این همان اهدافی است که رفاه ذهنی دنبال می‌کند. بنابراین با توجه به اینکه رشد سرمایه اجتماعی در افراد احساس امنیت، آزادی و استقلال و... که شاخص‌های رفاه ذهنی هستند را تحت تأثیر قرار می‌دهد پس سرمایه اجتماعی پایین و نامناسب می‌تواند مانع شکل‌گیری و خدشه در احساس رفاه ذهنی شود (بارگاهی و همکاران، ۱۳۹۴، به نقل از آذری جوان برزلی، ۱۳۹۹: ۶۶).

از طرفی محور توسعه هر کشوری به میزان برخورداری آن جوامع از دانش، آموزش و پژوهش بستگی دارد. برتری یک کشور به میزان پویایی نظام آموزش عالی آن کشور وابسته است. توسعه به مثابه سایر پدیده‌ها، متغیر وابسته‌ای است که علل و عوامل مختلفی در آن نقش آفرین‌اند. یکی از مهم‌ترین این متغیرها دانشجویان می‌باشند. بنابراین بررسی و پیگیری انتظارات و خواسته‌ها و عواطف دانشجویان از اهمیت فراوانی برخوردار است. بر همین اساس تأمین نیازهای مادی و معنوی دانشجویان در جهت تضمین رفاه آنان از ضرورت‌های نظام آموزش عالی می‌باشد که علی‌رغم اهمیت بالای این مسئله مطالعه جدی در این خصوص در داخل کشور صورت نگرفته است.

در این راستا پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی بر رفاه ذهنی دانشجویان دانشگاه لرستان انجام پذیرفته است. انجام مطالعه پیرامون رفاه ذهنی در استان لرستان که از خصوصیات فرهنگی و تنوع طایفه‌ای و قومی ویژه‌ای برخوردار است و از سوی دیگر از سطح نسبتاً پایین توسعه‌یافتگی به ویژه به لحاظ اقتصادی و بر اساس شاخص‌های عینی رفاه اجتماعی برخوردار است و همچنین میزان رفاه ذهنی نسبت به میانگین کشوری پایین‌تر است، از اهمیت ویژه‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه، تبیین

عوامل مؤثر و نهایتاً تلاش برای ارتقاء رفاه ذهنی در راستای تعدیل نابرابری‌های موجود برخوردار است.

بنابراین مسئله اصلی پژوهش این است که چگونه می‌شود دو متغیر مذکور را در بین دانشجویان تقویت کرد تا با هم‌افزایی که ایجاد می‌کنند جامعه مذکور را به سمت توسعه سوق دهند؟ آیا عدم وجود رفاه ذهنی در بین دانشجویان منجر به افزایش نگرانی، استرس و افت تحصیلی آنان می‌شود؟ آیا سرمایه اجتماعی پایین منجر به کاهش رفاه ذهنی دانشجویان می‌شود؟ از آنجا که رفاه محصولی است که در بستر سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و ... معنا می‌یابد، هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این سؤالات است که دانشجویان دانشگاه لرستان به لحاظ سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در چه وضعیتی قرار دارند؟ و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر رفاه ذهنی دانشجویان دانشگاه لرستان دارد؟

پیشینه تحقیق

مطالعات رفاه ذهنی در ایران چند دسته‌اند: دسته اول، مطالعاتی‌اند که به‌طور ویژه بر رفاه ذهنی شهروندان در بین جوانان تکیه کرده‌اند. دسته دوم شامل مطالعاتی است که رفاه ذهنی را در بین کل شهروندان، یک گروه خاص غیر از جوانان (مانند کودکان) و یا به صورت تطبیقی در بین دو جنسیت زن و مرد مورد مطالعه قرار داده‌اند. دسته سوم از این مطالعات، آن‌هایی‌اند که رفاه ذهنی را به عنوان کلیتی متشکل از سازه جزئی رفاه اجتماعی مورد سنجش و مطالعه قرار داده‌اند.

بخشی از مطالعات که در حقیقت دسته چهارم به حساب می‌آیند، تمرکزشان را بر ابزارسازی و تدوین مقیاس رفاه ذهنی به‌طور کل و یا برخی گروه‌ها به‌طور خاص (مانند کودکان) قرار دادند. دسته پنجم از مطالعات، علاوه بر سنجش بهزیستی ذهنی در بین شهروندان به‌طور عام یا خاص، تأکید خود را بر شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر بهزیستی ذهنی در بین آنها نهاده‌اند. در خارج از کشور، به دلیل سابقه تاریخی شکل‌گیری

مفهوم رفاه ذهنی، با ادبیات تجربی و مطالعاتی غنی در زمینه رفاه ذهنی جوانان مواجهیم؛ ضمن آن که در سایر گروهها و حتی شهروندان به‌طور کل نیز چنین است. در ادامه به اهم برخی از تحقیقات داخلی و خارجی پرداخته می‌شود.

حبیب پور گتایی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی وضعیت بهزیستی ذهنی در بین جوانان ایرانی» به بررسی وضعیت بهزیستی ذهنی در بین جوانان ایرانی بر اساس دو سنجه ارزیابی و رضایت از زندگی و عاطفه خوشایند و ۱۳ مؤلفه با روش تحلیل ثانویه کمی روی داده‌های «پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۵) در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ساکن در سرتاسر کشور پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اولاً وضعیت بهزیستی ذهنی جوانان در هر دو سنجه و بسیاری از مؤلفه‌های سازنده، نامساعد بوده و در سطح پایینی قرار دارد.

ثانیاً بهزیستی ذهنی جوانان نسبت به دیگر گروه‌های سنی (۳۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال و بالاتر) نامساعدتر و نامطلوب‌تر است؛ به طوری که در قیاس با سایر شهروندان جامعه، جوانان ایرانی ارزش بالاتری برای ترجیحاتی مانند: مال و ثروت، پست و مقام و مشهور بودن قائل‌اند؛ اعتقاد کم‌تری به وجود عدالت قضایی و شغلی دارند؛ ارزیابی منفی‌تری نسبت به وضع رفاهی جامعه دارند؛ وضع زندگی در گذشته را منفی‌تر و وضع آینده را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند؛ آزادی، شادی، امنیت و تعلق و عرق ملی کم‌تری احساس می‌کنند؛ اعتقاد کم‌تری به رواج قانون‌گرایی و تحقق شهروندی در جامعه دارند؛ موافق تغییر اساسی وضع فعلی جامعه‌اند.

بخشی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «تحلیل وضعیت رفاه ذهنی روستاییان در شهرستان کوهدشت» به ارزیابی و تعیین سطح رفاه ذهنی سرپرستان خانوارها و عوامل مؤثر بر آن در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان کوهدشت پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش سطح رفاه ذهنی ۷۰ درصد سرپرستان خانوارها در حد متوسط و پایین‌تر است و اغلب شاخص‌های رفاه ذهنی شامل «احساس سلامت»، «خوشبختی و شادکامی»، «امید به آینده» و «اعتماد اجتماعی» دارای وضعیت نامطلوب هستند. همچنین طبق یافته‌های این

تحقیق متغیرهای فردی (جنسیت، سن)، متغیرهای جمعیتی (بعد خانوار، تعداد افراد شاغل در خانواده) و متغیرهای اقتصادی دارای تأثیر معناداری بر سطح رفاه ذهنی سرپرستان خانوارها در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان کوه‌دشت هستند.

شیروانی ناغانی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران)» به تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی شهروندان تهرانی پرداخته‌اند. تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از طریق همبستگی پیرسون نشان داد که اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر رفاه ذهنی شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران مؤثر است. از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه ذهنی شهروندان دارد.

در واقع بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد و فرصت‌هایی ایجاد می‌کند که افراد در پرتو آن بر ناامنی و تشویق ذهنی خود غلبه کنند و حس خوشبختی و رضایت داشته و در نتیجه رفاه ذهنی بالا داشته باشند. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با تسهیل کنش‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین و دستیابی به ترجیحات افراد دارد که با کاهش تنش‌های ذهنی، شادکامی و حس خوشبختی را برای شهروندان رقم می‌زند.

مقایسه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در بین سالمندان فعال و غیرفعال ۶۰ سال به بالای تهرانی (با تأکید بر فعالیت شبکه‌ای) مطالعه‌ای است که توسط غفوری و محمدی (۱۳۹۸) انجام گرفته است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان می‌دهد که در تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های رفاه ذهنی سالمندانی که به صورت شبکه‌ای فعالیت دارند؛ با بقیه سالمندان تفاوت دارد. طولابی نژاد و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی «اثرات سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوارهای دهستان میانکوه شرقی پلدختر» پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و رفاه خانوارها در منطقه مورد مطالعه رابطه

معناداری وجود دارد و از میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر و انسجام اجتماعی کمترین تأثیر را بر رفاه خانوارهای روستایی داشته است.

عامری سیاهویی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود به «بررسی و تبیین وضعیت رفاه اجتماعی در استان لرستان» پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت رفاه اجتماعی چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری در استان لرستان پایین‌تر از حد متوسط کشور است.

ملکی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی «تحلیل وضعیت رفاه ذهنی در جهان با تأکید بر ایران» بر اساس تحلیل ثانویه داده‌های موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) و با اتخاذ روش تطبیقی، علاوه بر مقایسه رفاه ذهنی در نظام‌های رفاهی دنیا، به بررسی رفاه ذهنی ایران در سطح خُرد و مقایسه آن با سایر کشورها در سطح کلان پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که میزان شادکامی ایرانیان بیش‌تر از سلامت ذهنی آنها و میزان سلامت ذهنی نیز بیش‌تر از رضایت از زندگی در بین آنهاست.

حرفتی (۱۳۸۷) نیز به بررسی «رابطه سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و سلامت روان در بین دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۷-۸۶» پرداخته است. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه انجام شده. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و سلامت روانی رابطه معناداری وجود دارد.

سلطانی و جمالی (۱۳۸۷) به «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت روان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز» پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و سلامت روان رابطه معناداری وجود دارد که جهت این رابطه نیز مثبت است. به عبارت دیگر هر چه فرد از نظر برخورداری از سرمایه اجتماعی در سطح بالاتری قرار داشته باشد از سلامت روان بیشتری بهره‌مند می‌باشد. یافته‌های دیگر تحقیق، نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی درون گروهی و سلامت روانی وجود دارد. بدین معنی که هر چه پاسخگو از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد از سلامت روان بهتر و مناسب‌تری برخوردار است.

لهسایی زاده و همکاران (۱۳۸۶) نیز به بررسی «رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در مهاجران» پرداخته‌اند. این کار که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است نشان می‌دهد که بین سلامت روانی و متغیرهای تحصیلات، سن، مدت اقامت، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و سلامت روان افراد مهاجر در سطح بالایی معنادار می‌باشد و هر اندازه افراد در ساختار اجتماعی جدید دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند سلامت روان آنها در جامعه جدید در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت.

برادران و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی «رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی» پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رفاه ذهنی هیچ تفاوتی با متغیرهای زمینه‌ای مطرح شده در تحقیق (سن و جنس و ...) نشان نمی‌دهد. بین شبکه اجتماعی و مشارکت مدنی و اعتماد نهادی با رفاه ذهنی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ اما بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌های اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته و مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

اده^۱ (۲۰۲۰) «نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در رابطه بین و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رفاه ذهنی نوجوانان: مطالعه‌ای در غنا»، به روش کمی و پرسشنامه‌ای با جامعه مورد مطالعه ۲۰۶۸ نوجوان از مدارس دبیرستان و متوسطه غنا به این نتیجه رسید که سه بعد از سرمایه اجتماعی خانوادگی به عنوان عوامل محافظت‌کننده رضایت از زندگی و رفاه ذهنی و شادکامی نوجوانان در برابر اثرات وضعیت نابرابر اقتصادی اجتماعی عمل می‌کنند (شیروانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۰).

هونگ^۲ (۲۰۱۹) «سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی: نقش تعدیل‌کننده شبکه‌های اجتماعی» را با روش تحقیق کمی و ابزار پرسشنامه در جامعه آماری تعداد ۳۰۷ نفر از دانشجویان ۱۷-۲۹ ساله کارشناسی ارشد در دانشکده‌های مختلف در یک دانشگاه خصوصی خارجی در مالزی

1. Edeh
2. Hwang

مورد مطالعه قرار دادند که یافته‌ها اهمیت استفاده فایده‌ای از شبکه‌ها در واسطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی را برجسته می‌کند. از طرف دیگر، تأثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر رفاه ذهنی از تأثیرات غیرمستقیم قوی‌تر است (همان: ۱۵۰).

کارولا و تیم^۱ (۲۰۱۷) «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی؛ نقش واسطه وابستگی اجتماعی» با روش کمی و ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که اولاً وابستگی اجتماعی در رفاه ذهنی تأثیر دارد و از تأثیر عناصر استاندارد سرمایه اجتماعی مستقل است. دوم، سرمایه اجتماعی بر وابستگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد و از این طریق تأثیر غیرمستقیمی بر رفاه ذهنی دارد (همان: ۱۵۱).

میلر و بایز^۲ (۲۰۰۸) نیز به بررسی «آیا سرمایه اجتماعی پیش‌بینی کننده شادی، سلامت و رضایت از زندگی در جامعه شهری استرالیا است؟» پرداخته‌اند. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. تحلیل رگرسیون نشانگر آن است که نه تنها دو عنصر از سرمایه اجتماعی؛ یعنی ارزش زندگی و احساسات اعتماد و امنیت پیش‌بینی کننده شادی، رضایت از زندگی و سلامت هستند، بلکه تقویت کننده آنها نیز هستند.

ب، جورن اسکاو^۳ (۲۰۰۸) نیز تحقیقی با موضوع «سرمایه اجتماعی و شادی در ایالات متحده آمریکا» انجام داده است. در این تحقیق سرمایه اجتماعی با شاخص‌های اعتماد اجتماعی و دو شاخص متفاوت جامعه‌پذیری سنجیده شده است. داده‌های این پژوهش با استفاده از سرشماری گردآوری شده و نتایج آن نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی با شادی رابطه معنادار و مثبتی دارد، در حالی که اثرات بالقوه جامعه‌پذیری رسمی در سطح جامعه تنها معناداری در برآوردهای منطقه‌ای را نشان می‌دهد. یافته‌ها در حالی که به اهمیت اعتماد اجتماعی در شادی استناد می‌کنند اما همچنان به مفاهیم عمومی‌تر نظریه سرمایه اجتماعی اعتقاد دارند.

-
1. Karola & Team
 2. Miler & Buys
 3. Bjornskov

جان. اف. هلیو^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «رفاه، سرمایه اجتماعی و سیاست اجتماعی: چه چیز جدیدی است»، به بررسی تعیین گروه‌های رفاه ذهنی پرداخته‌اند. نتایج نمونه‌های ملی و بین‌المللی نشان می‌دهد که سنج‌های سرمایه‌های اجتماعی به ویژه اعتماد خاص و تعمیم‌یافته، اثرات اساسی بر رفاه ذهنی دارند. نمونه‌های ملی اثرات رفاهی بسیاری را از کیفیت حکومت نشان می‌دهد. سرانجام آن داده‌های رفاه را برای برآورد مطالعات درآمدی جنبه‌های غیرمالی محیط کار استفاده می‌کند تا بدین منظور فرصت‌های کشف نشده برای بهبود رضایت شغلی و اثربخشی شرکت پیشنهاد کند (به نقل از حیدری، ۱۳۹۸: ۱۵).

دو سیلوا^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و سلامت ذهنی مادران در کشورهای کم‌درآمد» به بررسی رابطه بین معیارهای بوم‌شناختی و فردی سرمایه اجتماعی و اختلالات ذهنی رایج مادران در چهار کشور کم‌درآمد (پرو، اتیوپی، ویتنام و هند) پرداخته است. این تحقیق با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در سطح فردی با کاهش اختلالات ذهنی مادران مرتبط است اما در سطح ساختاری به افزایش اختلالات ذهنی مادران منجر می‌شود.

رکوننا^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی، رضایت و کیفیت زندگی در محیط کار» به تحلیل تجربی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایت و کیفیت زندگی در محیط کار در اسپانیا پرداخته است. این مقاله با بکارگیری رگرسیون و مدل‌های علی به منظور تعیین اثرگذاری بر رضایت و کیفیت زندگی در ابعاد سرمایه اجتماعی کار و ویژگی‌های کارمند، محیط کار و شرکت یا سازمان انجام شده است.

داده‌های تحقیق مبتنی بر پیمایش کیفیت زندگی در اسپانیا در سال ۲۰۰۱ است. یافته‌های تحقیق معنی‌داری مدل مورد استفاده فرضیه‌های مورد بررسی را تأیید نموده و نشان می‌دهند که اولاً، سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی دلالت بر سطوح بالاتر کیفیت و رضایت

1. Jon. F.heliu
2. De silva
3. Requena

زندگی در محیط کار دارد و ثانیاً، سرمایه اجتماعی پیش‌بینی کننده بهتر کیفیت زندگی و رضایت شغلی نسبت به ویژگی‌های کارمند، شرکت یا سازمان و محیط کار است. جمع‌بندی پیشینه تجربی حاکی از آن است که: اولاً پژوهش‌های داخلی صورت گرفته پیرامون رفاه ذهنی در ایران بسیار اندک است، و ثانیاً لمحمده تحقیقات صورت گرفته در سال‌های اخیر، به رفاه ذهنی سایر گروه‌ها پرداخته و به رفاه ذهنی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن توجه چندانی نشده است، و پژوهش منسجم و جامعی که به بررسی و ارزیابی رفاه ذهنی دانشجویان پرداخته باشد، وجود ندارد.

چارچوب نظری تحقیق

مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌طور کلی می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شوند دربرگیرنده اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گردآمدن افراد به صورتی منسجم و با ثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌شود (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۷۴).

پاتنام یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی است که برای نخستین بار این مفهوم را در اواخر کتاب خود که حاصل مطالعه بر روی شمال و جنوب ایتالیا بود، به کار برده است. بر اساس این مطالعات، پاتنام معتقد است که همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد (پاتنام، ۱۳۸۰).

پاتنام (۱۹۹۵) در تعریف خود از سرمایه اجتماعی می‌نویسد: «منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی هم شامل ابعاد ساختاری (شبکه‌ها) و هم شامل ابعاد فرهنگی (هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و اعتماد) است. پاتنام اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر

سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را فراهم می‌کند که بدون آن غیرقابل دسترس خواهند بود. برای مثال گروهی که اعضایش اعتبار خود را نشان داده و به یکدیگر اعتماد زیادی دارند نسبت به گروهی که فاقد این ویژگی‌ها هستند توان انجام کارهای خیلی زیادتری را دارند (پاتنام، ۱۳۸۰).

پس به‌طور دقیق‌تر، سرمایه اجتماعی کمک‌کننده رفتار جمع است یعنی هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت، ارتباطات را تسهیل و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود بخشیده و حسن شهرت فعالان را به دیگران انتقال داده، موفقیت‌های پیشینیان در همکاری را نمایان ساخته و همانند چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده، عمل می‌نماید.

همچنین پاتنام در خصوص مالکیت سرمایه اجتماعی، معتقد است که: سرمایه اجتماعی برعکس سرمایه‌های متعارف دیگر، یک کالای عمومی است که در مالکیت خصوصی کسانی که از آن بهره می‌برند، نیست. سرمایه اجتماعی مانند دیگر کالاهای عمومی (هوای پاک، خیابان‌های امن) است که کارگزاران بخش خصوصی گرایش به تولید آن ندارد. این بدین معنی است که سرمایه اجتماعی اغلب باید به وسیله دیگر فعالیت‌های اجتماعی تولید شود این سرمایه معمولاً در پیوندها، هنجارها و اعتماد تشکیل می‌شود که از یک موقعیت اجتماعی به دیگر موقعیت اجتماعی قابل انتقال است (Putnam, 1993).

رفاه ذهنی دربرگیرنده تمام ارزیابی‌های مثبت و منفی می‌شود که مردم در مورد زندگی‌شان انجام می‌دهند (Prada & Estrada, Nezimart, 2019). رفاه ذهنی یک مفهوم مرتبط با شادی و تحقق یافتن بوده است و بیانگر ارزیابی شناختی و عاطفی افراد از زندگی آن‌هاست (Gao al et, 2017 ; Khattak & Cao, Fan, Chen, 2019). بسیاری معتقدند که رفاه ذهنی از دو مؤلفه مهم تشکیل شده است: رفاه عاطفی، برای ارزیابی احساسات فرد و رفاه شناختی، برای سنجش رضایت یک فرد از زندگی او (Wang & Lin, Dong, 2019).

دینر معتقد است که رفاه ذهنی به همه انواع ارزیابی‌ها، اعم از مثبت و منفی که افراد از زندگی‌شان می‌کنند، اطلاق می‌شود. آن شامل ارزیابی‌های شناختی انعکاسی، مثل رضایت از زندگی و رضایت شغلی، علاقه و تعهد و واکنش‌های عاطفی در حوادث زندگی مثل لذت و غمگینی است. پس رفاه ذهنی از نظر اصطلاحی همانند چیزی است برای ارزیابی‌های مختلف که افراد در زندگی‌شان ملاحظه می‌کنند، حوادثی که با آنها شاد می‌شوند، جسم‌ها و ذهن‌هایشان و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند (Diner, 2005).

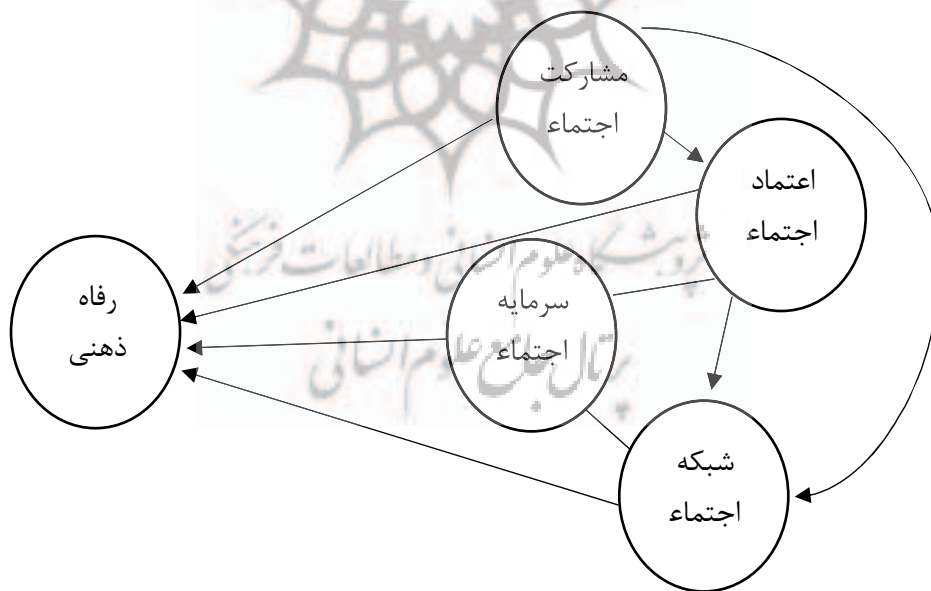
به زعم دینر رفاه ذهنی سه مشخصه بارز دارد: اول اینکه، ذهنی است و مبتنی بر تجربه فرد است. دوم اینکه، صرفاً به معنای نبود عوامل و شاخص‌های منفی نیست، بلکه به معنای وجود شاخص‌های مثبت است. سوم اینکه، ارزیابی جهانی از همه جوانب زندگی فرد را دربرمی‌گیرد؛ اگرچه عاطفه یا رضایت از یک حوزه مشخص را می‌توان ارزیابی کرد، اما تأکیدش عموماً بر قضاوت یکپارچه درباره زندگی فرد است. (جیب پور کتابی، ۱۹: ۱۴۰۱). بنا به رویکرد دینر، رفاه ذهنی، قضاوت مثبت از زندگی و احساس خوب است؛ بنابراین وقتی گفته می‌شود که فرد دارای بهزیستی ذهنی زیادی است به آن معناست که شاهد رضایت از زندگی و لذت مکرر باشد و تنها به ندرت احساسات نامطلوبی مانند ناراحتی یا عصبانیت را تجربه کند. برعکس وقتی گفته می‌شود فرد دارای بهزیستی ذهنی کمی است که از زندگی خود راضی نباشد، لذت و مهربانی کمی را تجربه کند و به‌طور مکرر احساساتی منفی مانند عصبانیت و اضطراب داشته باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵).

در جمع‌بندی چارچوب نظری می‌توان گفت که هر کدام از مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رفاه ذهنی افراد تأثیر می‌گذارند. اعتماد یک جزء اصلی سرمایه اجتماعی است. این مفهوم تمام جنبه‌های زندگی بشری را شکل می‌دهد. اعتماد در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری در میان اعضای جامعه می‌باشد. ثنوری سرمایه اجتماعی اعتماد را منبع جامعه مدنی و زمینه‌ساز تعهد مدنی و دموکراسی می‌داند. از طرفی اعتماد یک ویژگی فردی است که بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی متکی است و با اندیشه همکاری،

صداقت و صمیمیت ارتباط نزدیکی دارد و از سوی دیگر اعتماد ویژگی نظام اجتماعی یا روابط اجتماعی است که بر زمینه‌های اجتماعی متکی است و به عنوان یک ویژگی جمعی کاربردهای فراوانی دارد. مشارکت اجتماعی به عنوان یکی دیگر از اجزای سرمایه اجتماعی مطرح شده است.

در تئوری پاتنام کاهش مشارکت در تعاملات و رویدادهای اجتماعی با کاهش سرمایه اجتماعی همراه است و کاهش مشارکت نیز باعث کاهش رفاه ذهنی افراد می‌گردد. شبکه اجتماعی از یک طرف به لحاظ پیوندها و روابط که در عرصه چندگانه افراد را به هم متصل می‌کند با تئوری انسجام اجتماعی و از طرف دیگر به لحاظ منابعی که در پی این پیوندها منتقل می‌شود با تئوری حمایت اجتماعی هماهنگ است و به واسطه آن باعث افزایش رفاه ذهنی افراد می‌گردد.

با توجه به مباحث مفهومی و نظری مطرح شده در زمینه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی، مدل نظری و فرضیات تحقیق به شرح ذیل بیان می‌گردد:



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

- ۱) بین شبکه اجتماعی با رفاه ذهنی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲) بین اعتماد اجتماعی با رفاه ذهنی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳) بین مشارکت اجتماعی با رفاه ذهنی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴) بین شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵) بین شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶) بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات همبستگی و به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه لرستان در سال ۱۳۹۸ می‌باشد که تعداد آن‌ها در سال مذکور حدود ۹۰۰۰ نفر بوده است. در این پژوهش برای تعیین اندازه نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه آن ۳۸۴ نفر بدست آمد. همچنین، برای انتخاب نمونه مذکور از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شد.

با توجه با جامعه آماری و نوع نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۶۰ درصد نمونه آماری از بین دانشجویان دختر و ۴۰ درصد از بین دانشجویان پسر انتخاب شدند. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی استفاده شد و برای نیل به اهداف موردنظر پژوهش حاضر تلاش شد تا با بررسی و مطالعه مباحث نظری و تحقیقات انجام گرفته پیرامون سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی، پرسشنامه محقق ساخته‌ای شامل ۵۱ سؤال با سه شاخص شبکه، مشارکت و اعتماد اجتماعی برای سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و همچنین، پرسشنامه محقق ساخته دیگری شامل ۳۷ سؤال با سه شاخص کیفیت زندگی، نشاط و سلامت روان برای رفاه ذهنی به عنوان متغیر وابسته تدوین و طراحی گردد.

به منظور بررسی ارتباط مفهومی سؤالات با موضوع پرسشنامه‌ها و توانایی هر سؤال در اندازه‌گیری موضوع مورد نظر، همچنین مفهوم بودن شکل ظاهری هر سؤال، این پرسشنامه‌ها به سه تن از اساتید داده شد تا پرسشنامه را در محورهای مذکور مورد ارزیابی قرار دهند. بدین ترتیب اعتبار یا روایی محتوایی پرسشنامه‌های مذکور پس از اصلاحات جزئی در متن برخی سؤالات توسط اساتید ارزیاب مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، به منظور مشخص شدن میزان قابلیت اعتماد (پایایی) پرسشنامه‌های سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی، از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب بدست آمده برای کل پرسشنامه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی به ترتیب برابر با $0/87$ و $0/77$ می‌باشد که نشان‌دهنده پایایی خوب این پرسشنامه‌ها است.

همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ برای سه شاخص شبکه، مشارکت و اعتماد اجتماعی به ترتیب برابر با $0/7$ ، $0/85$ و $0/84$ بدست آمد که از پایایی خوب این سه شاخص سرمایه اجتماعی حکایت دارد. همین‌طور ضرایب آلفای کرونباخ برای سه شاخص کیفیت زندگی، نشاط و سلامت روان به ترتیب برابر با $0/63$ ، $0/72$ و $0/76$ حاصل شد که نسبتاً، پایایی خوب آنها را نشان می‌دهد. در این پژوهش به منظور بررسی فرضیه‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شد. همچنین در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره‌ها) و آمار استنباطی (تحلیل مسیر) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل روش‌های آماری، نرم‌افزارهای SPSS25 و LISREL10.3 مورد استفاده قرار گرفت. معناداری فرضیه‌های این تحقیق در سطح آلفای $0/05$ قرار داده شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از نمونه را دانشجویان دختر و نیمی دیگر را دانشجویان پسر تشکیل داده‌اند. در حدود ۷۰ درصد حجم نمونه مجرد و ۳۰ درصد متأهل هستند. ۱۰ درصد حجم نمونه دانشجوی دکتری، ۳۰ درصد کارشناسی ارشد و ۶۰ درصد

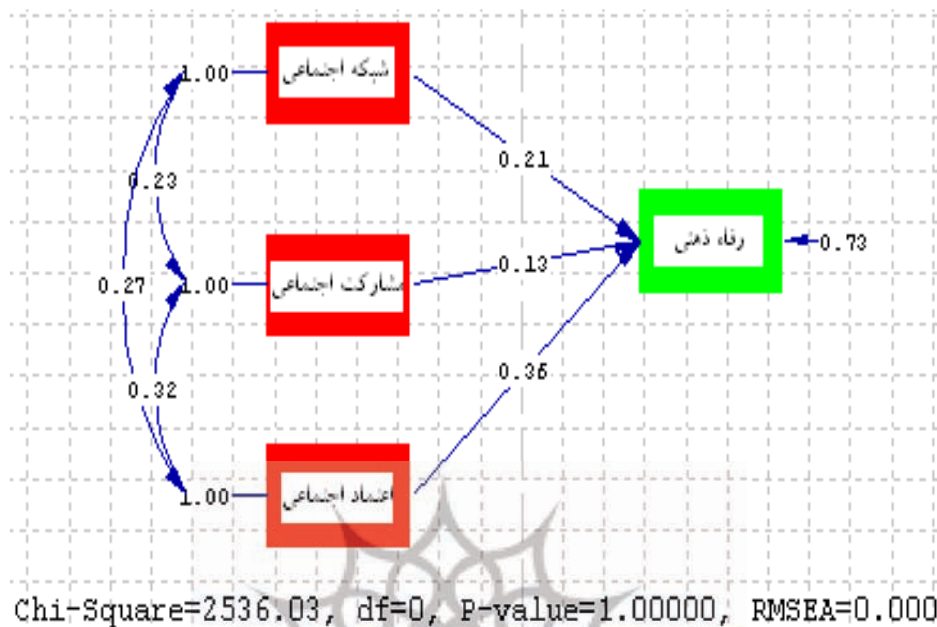
هم کارشناسی هستند. میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی نیز برای آزمودنی‌های تحقیق در جدول شماره (۱) درج شده است.

جدول ۱- اطلاعات توصیفی متغیرهای تحقیق.

انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های آماری	
		متغیرها	
۵/۵۱	۱۵/۸۹	شبکه اجتماعی	مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی
۹/۰۶	۲۵/۹۲	مشارکت اجتماعی	
۶/۹۹	۱۴/۲۳	اعتماد اجتماعی	
۸/۷۱	۵۱/۵۸	رفاه ذهنی	

با توجه به جدول ۱، میانگین گستردگی شبکه اجتماعی ۱۵/۸۹ می‌باشد که نشان از حد متوسط شبکه اجتماعی در بین پاسخگویان است. میانگین مشارکت اجتماعی ۲۵/۹۲ است که نشان از این دارد که مشارکت اجتماعی در بین پاسخگویان کمی بیشتر از متوسط است و میزان اعتماد اجتماعی ۱۴/۲۳ است که نشان از اعتماد اجتماعی در حد متوسط در بین پاسخگویان دارد.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های مدل تحلیل مسیر پیشنهادی: در این قسمت، به ترتیب یافته‌های مربوط به فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی مستقیم مدل پیشنهادی رابطه علی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (شبکه، مشارکت و اعتماد اجتماعی) با رفاه ذهنی در بین دانشجویان دانشگاه لرستان آمده‌اند. (نمودار ۲ را ملاحظه کنید).



نمودار ۲- مدل ساختاری برآزش یافته تحقیق از رابطه علی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (شبکه، مشارکت و اعتماد اجتماعی) با رفاه ذهنی در بین دانشجویان دانشگاه لرستان

* مقادیر موجود در نمودار، پارامترهای استاندارد شده هستند که نشان‌دهنده اثرات مستقیم و متقابل بین متغیرهای مدل می‌باشند.

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نتایج فرضیه اصلی

جدول (۲) شاخص‌های نیکویی برازش مدل تحلیل مسیر پیشنهادی تحقیق را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، مقدار شاخص نیکویی برازش مجذور کای (χ^2) برابر با ۲۵۳۶/۰۳ با درجه آزادی ۰ و میزان احتمال ($P=1$) می‌باشد. همچنین، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. مقادیر حاصل شده برای شاخص‌های مذکور حاکی از این است که نحوه برازش مدل پیشنهادی قابل قبول است. به عبارت دیگر مدل تحلیل مسیر پیشنهادی تحقیق با داده‌های جمع‌آوری شده برازش کامل دارد. بنابراین، می‌توان گفت که فرضیه اصلی تحقیق یعنی، مدل رابطه علی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (شبکه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) بر رفاه ذهنی در بین دانشجویان دانشگاه لرستان برازنده داده‌ها می‌باشد.

جدول ۲- شاخص‌های نیکویی برازش مدل پیشنهادی تحقیق

مقدار	شاخص
۲۵۳۶/۰۳	آزمون نیکویی برازش مجذور کای (χ^2)
۰	درجه آزادی (df)
۱/۰۰	ارزش p
۰/۰۰۰	ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)

آزمون فرضیه‌ها

به کمک ضریب همبستگی پیرسون (جدول شماره ۳) رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاهی ذهنی آزمون شد و نشان داده شد که رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی وجود دارد، و از بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، متغیرهای اعتماد اجتماعی و شبکه اجتماعی با رفاه ذهنی معنی‌دار شد، ولی متغیر مشارکت اجتماعی با رفاه ذهنی معنی‌دار نشد.

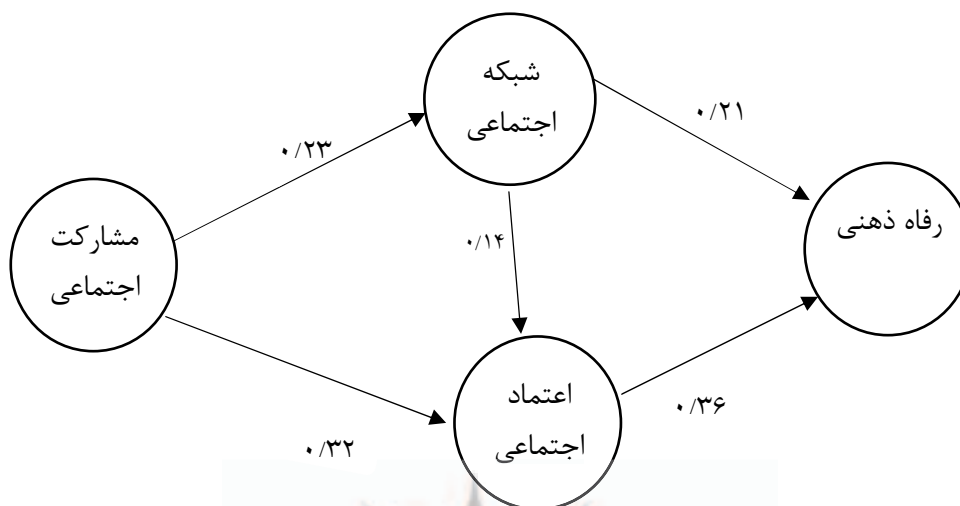
جدول ۳- آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با رفاه ذهنی

رفاه ذهنی		
سطح معنی‌داری	شدت رابطه	
۰/۰۲۶*	۰/۳۲	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۳۵	اعتماد اجتماعی
۰/۰۷۱	۰/۰۸۵	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۲۹	شبکه اجتماعی

* اعداد زیر ۰/۰۵ معنی‌دار هستند (بین ۰/۰۵ و ۰/۰۱ در سطح ۰/۹۵ و کمتر از ۰/۰۱ در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار هستند).

همچنان که در جدول مشاهده می‌شود شدت رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی ۰/۳۲ می‌باشد یعنی هر چه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، رفاه ذهنی به میزان ۰/۳۲ افزایش پیدا می‌کند، همچنین هر چه میزان اعتماد اجتماعی بالاتر باشد رفاه ذهنی با شدت ۰/۳۵ و هر چه شبکه اجتماعی بهتر و گسترده‌تری به وجود آید پاسخگویان از رفاه ذهنی بالاتری برخوردارند که شدت این رابطه ۰/۲۹ می‌باشد.

مدل تحلیل مسیر
به وسیله مدل رگرسیون روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل با متغیر وابسته بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد.



شکل ۲- مدل تحلیل مسیر

همچنان که در مدل مشاهده می‌شود تأثیر مستقیم شبکه اجتماعی بر رفاه ذهنی ۰/۲۱ و اعتماد اجتماعی بر رفاه ذهنی ۰/۳۶ می‌باشد و مشارکت اجتماعی بر رفاه ذهنی تأثیر مستقیم ندارد و به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار است که این تأثیر بر شبکه اجتماعی ۰/۲۳ و بر اعتماد اجتماعی ۰/۳۲ می‌باشد و تأثیر شبکه اجتماعی بر اعتماد اجتماعی ۰/۱۴ است (ضریب تبیین مدل ۰/۲۷ می‌باشد).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به منظور تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی دانشجویان دانشگاه لرستان مدلی مرکب از متغیرهای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مرتبط با رفاه ذهنی (از قبیل شبکه، مشارکت و اعتماد اجتماعی) طراحی و تدوین شد. هدف نهایی تحقیق پس از طراحی و تدوین مدل پیشنهادی، برآزش دادن الگویی ساختاری از روابط علی بین متغیرها بوده است. در این مطالعه، مدل پیشنهادی تحقیق به‌طور کامل و مناسب

برازش یافت به طوری که شاخص‌های برازندگی به دست آمده حاکی از قابل قبول و کامل بودن برازش آن می‌باشند. در مدل برازش یافته یک مسیر مستقیم شامل مسیر از متغیر مشارکت اجتماعی به رفاه ذهنی معنادار نشد. علاوه بر این همان‌طور که نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با رفاه ذهنی نشان می‌دهد؛

(۱) بین شبکه اجتماعی و رفاه ذهنی رابطه مستقیم مثبت و معنادار وجود دارد، نتیجه به دست آمده با مطالعات میلر و بایز (۲۰۰۸)، دوسیلوا (۲۰۰۵)، رکوتنا (۲۰۰۳)، لهسایی زاده و مرادی (۱۳۸۶)، سلطانی و جمالی (۱۳۸۷) هماهنگ و با یافته‌های برادران و همکاران (۱۳۸۴) ناهماهنگ است. (۲) بین مشارکت اجتماعی و رفاه ذهنی رابطه مستقیم معنادار حاصل نشد. نتیجه بدست آمده با یافته‌های برادران و همکاران (۱۳۸۴) هماهنگ، اما با مطالعه لهسایی زاده و مرادی (۱۳۸۶) ناهماهنگ است. (۳) بین اعتماد اجتماعی و رفاه ذهنی رابطه مستقیم مثبت و معنادار وجود دارد.

این نتیجه با مطالعات ب. جورن اسکاو (۲۰۰۸)، میلر و بایز (۲۰۰۸) و هلیول (۲۰۰۶) هماهنگ، اما با یافته‌های برادران و همکاران (۱۳۸۴) ناهماهنگ است. (۴) بین شبکه اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با تئوری پاتنام (۱۹۹۳) هماهنگ است. (۵) بین شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتیجه بدست آمده با تئوری پاتنام (۱۹۹۳) هماهنگ است. (۶) بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته نیز با تئوری پاتنام (۱۹۹۳) هماهنگ می‌باشد.

به طور کلی، بر اساس مدل تحلیل مسیر، از بین سه شاخصی که برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده بود، هر سه شاخص به نوعی در تبیین رفاه ذهنی دانشجویان مؤثرند، اما به ترتیب، اعتماد اجتماعی و شبکه اجتماعی بیشترین اهمیت را در تبیین رفاه ذهنی آنان دارند. به طوری که، مقایسه یافته‌های تحقیق با تئوری پاتنام نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های مورد نظر پاتنام برای سرمایه اجتماعی به ترتیب، اعتماد اجتماعی و شبکه اجتماعی بیشترین تأثیر را در رفاه ذهنی افراد دارد (۲۷ درصد) و مؤلفه دیگر یعنی مشارکت اجتماعی تأثیر کمتری در مقایسه با دو مؤلفه دیگر دارد.

در کل یافته‌های تحقیق معنی‌دار بودن رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی دانشجویان را نشان می‌دهد، یعنی سرمایه اجتماعی در کل منجر به افزایش رفاه ذهنی دانشجویان می‌شود. از آنجا که اعتماد اجتماعی بالا، شبکه اجتماعی گسترده و مشارکت فعال در امور مختلف، زمینه‌ساز همکاری در میان اعضای جامعه می‌شود و معمولاً این‌گونه افراد تغییرپذیری و همچنین ریسک‌پذیری بالایی دارند. لذا، اعتماد بالا و شبکه اجتماعی گسترده و مشارکت وسیع باعث می‌شود این‌گونه افراد رفاه بالاتری کسب کنند.

با عنایت به نتایج و یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود که: با توجه به ارتباط تنگاتنگ سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی، نسبت به تقویت سرمایه اجتماعی دانشجویان در سطح دانشگاه برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد. برای افزایش مشارکت دانشجویان، زمینه‌های تقویت مشارکت آنان در حوزه‌های مختلف علمی، آموزشی، فرهنگی و... فراهم شود. با افزایش اعتماد اجتماعی دانشجویان شرایط برای مشارکت آنها در نهادهای علمی و دانشگاهی بیشتر مهیا شود. همچنین بهبود و تقویت ارتباط بین انجمن‌های علمی و گروه‌های آموزشی مرتبط با هر انجمن و فراهم کردن شرایط برای ایجاد ارتباط بین اعضای انجمن‌ها و اساتید می‌تواند در سطح مشارکت دانشجویان در این نهاد علمی مؤثر باشد.

با توجه به اینکه نتایج این‌گونه تحقیقات می‌تواند مبنایی برای برنامه ریزان و سیاست‌گذاران دانشگاهی جهت برنامه‌ریزی اثربخش در آینده قرار گیرد، بررسی و مقایسه تطبیقی رفاه ذهنی در سایر دانشگاه‌های استان در پژوهش‌های آتی می‌تواند مفید و راهگشا واقع گردد.

تعارض منافع

تعارض منافی ندارد.

سپاسگزاری

از عزیزانی که در این پژوهش همراهی و همکاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

ORCID

Morad Baradaran  <http://orcid.org/0000-0003-0818-373x>

Nouredin Alahdadi  <http://orcid.org/0000-0001-6239-7398>

Ali Mohammad Javadi  <http://orcid.org/0000-0002-4886-7901>

منابع

- آذری جوان برزلی، فرید. (۱۳۹۹)، «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد»، ششمین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.

<https://elmnet.ir/article/21134248-42181>

- بخشی، محمدرضا؛ فلکی، ملیحه و پیرداده بیرانوند، کبری. (۱۴۰۰)، «تحلیل وضعیت رفاه ذهنی روستاییان در شهرستان کوه‌دشت»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال ۱۲، شماره ۳: ۴۸۲-۵۰۱.

<http://ensani.ir/file/download/article/1645427749-10013-1400-3-4.pdf>

- برادران، مراد و حسین پور، نسرین. (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه ذهنی در بین کارکنان وزارت رفاه و تأمین اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۹: ۳۵-۵۶.

- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.

- حبیب پور گنابی، کرم. (۱۴۰۱)، «ارزیابی وضعیت بهزیستی ذهنی در بین جوانان ایرانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۶: ۹-۵۳.

<file:///C:/Users/sp/Downloads/yektaweb-j-v22n86p9-fa.pdf>

- حرفتی، زهرا. (۱۳۸۷)، رابطه سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و سلامت روانی در بین دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۷-۸۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.

- حیدری، علی. (۱۳۹۸)، بررسی وضعیت رفاه ذهنی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه در بین شهروندان گیلان غرب)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.

تحلیل جامعه‌شناسی رابطه سرمایه اجتماعی و...، برادران و همکاران | ۲۶۷

- خیرالله پور، اکبر. (۱۳۸۳)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

- زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۸۲)، توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار، چاپ پنجم.

- سام گیس، بنفشه. (۱۴۰۱)، «پولدارهای ناشاد»، روزنامه اعتماد، سال نوزدهم، شماره ۵۱۹۸، (<https://www.pishkhan.com/news/26537>).

- سلطانی، طاهره و جمالی، مژده. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت روانی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز)»، فرایند مدیریت و توسعه، سال بیست‌ویک، شماره ۶۸-۶۹: ۱۰۷-۱۲۱.

- شیروانی ناغانی، مینا؛ ادریسی، افسانه و مشیر استخاره، زهرا سادات. (۱۴۰۰)، «مطالعه جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر تهران)»، برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۹: ۱۴۵-۱۸۴.

https://qjssd.atu.ac.ir/article_13897_d7bf972cdf62e4e5737abe034bf54bc1.pdf
- طولابی نژاد، مهرشاد؛ قنبری، سیروس و شایان، محسن. (۱۳۹۷)، «بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: دهستان میانکوه شرقی)»، جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۲۲، شماره ۶۶: ۱۶۳-۱۸۵.

<file:///C:/Users/sp/Downloads/4004813976608.pdf>
- عامری سیاهویی، حمیدرضا؛ درویشی، یوسف و درویشی، هدایت‌الله. (۱۳۹۵)، «بررسی و تبیین وضعیت رفاه اجتماعی در استان لرستان»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال سوم، شماره دهم: ۱-۲۰.

- غفوری، فرزاد و محمدی، زهرا. (۱۳۹۸)، «مقایسه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی در بین سالمندان فعال و غیرفعال (با تأکید بر فعالیت شبکه‌ای)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹: ۱-۲۸.

https://qjssd.atu.ac.ir/article_10652_11635b6910d888126f0c1d9e49aaae96.pdf
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و مرادی، گلمراد. (۱۳۸۶)، «رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان در

مهاجران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶: ۱۶۱-۱۸۲.

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-9-fa.pdf>

- محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ سوم.

- موسوی، مه‌ری سادات؛ یزدخواستی، بهجت و محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۷)، «طراحی مدل سنجش ابعاد اجتماعی بهزیستی ذهنی»، اندازه‌گیری تربیتی، سال هشتم، شماره ۱۳۱: ۱۱۳-۱۵۱.

https://jem.atu.ac.ir/article_8989_1dd93658ae4e427d0867520e371d957a.pdf
- ملکی، امیر و برادران، مراد. (۱۳۹۴)، «تحلیل وضعیت رفاه ذهنی در نظام‌های رفاهی با تأکید بر ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۵۸: ۷-۳۶
https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2332&sid=1&slc_lang=fa&ftxt=1

- Addae, Evelyn Aboagye. (2020). "The mediating role of social capital in the relationship between socioeconomic status and adolescent wellbeing evidence from Ghana." Addae BMC Public Health, <https://doi.org/10.1186/s12889-019-8142-x>.
- Alexandrova, anna. (2005). "subjective well-being and kahnemans objective happiness." *jornal of happiness studies*, 18, 301-324.
- Bjornskov, C. (2008). "Social Capital and Happiness in the United States." *Applied Research in Quality of Life Journal*, 21, 43-62.
- Chen, S., Fan, Y., Cao, Y., & Khattak, A. (2019). "Assessing the relative importance of factors influencing travel happiness." *Travel Behaviour and Society*, 16, 185-191. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tbs.2019.01.002>
- De silva, mery. (2005). context and composition? Social capital and maternal mental health in low income countries. *thesis submitted for the degree of Doctor of philosophy Faculty of Medicine*, University of London.
- Diener, E. (2005). *Guidelines for national indicators of subjective well-being and ill-being*.
www.wamumd.Edu/cgraham/courses/Does/PUAF698R-DienerGuide.
- Fan, X., Deng, N., Dong, X., Lin, Y., & Wang, J. (2019). "Do others' self-presentation on social media influence individual's subjective well-being? A moderated mediation model." *Telematics and Informatics*, 41, 86-102. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tele.2019.04.001>
- Hwang, Li-Ann; Wei Jian Ng, Jason; Vaithilingam, Santha. (2019). "Social capital and subjective well-being: The mediating role of social networking sites." 24, 7-10

- Martínez, L. M., Estrada, D., & Prada, S. I. (2019). "Mental health, interpersonal trust and subjective well-being in a high violence context." *SSM - Population Health*, 8, 100423. doi:https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2019.100423
- Miller, Evonne and Buys, Laurie. (2008). "Does social capital predict happiness, health and life satisfaction in an urban Australian community?" *Kotuitui: New Zealand: Journal of Social Sciences Online*, 3(1), 15-20.
- Putnam, R. (1993). "The Prosperous community: Social Capital and Public Life." *The American Prospect*, 14, 35-42.
- Putnam, R. (1995). "Bowling Alone: Americas Declining Social Capital." *Journal of Democracy*, 6, 65-78.
- Requena, felix. (2003). "social capital satisfaction and quality of life the workplace." *social indicators research*, 61, 331-360.



استناد به این مقاله: برادران، مراد؛ اله‌دادی، نوال‌الدین و جوادی، محمد. (۱۴۰۳). تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه ذهنی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه لرستان، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵(۵۹)، ۲۶۹-۲۳۹.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.